



بحار الانوار، دایرة المعارف شیعی

بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، تألیف مرحوم محمد باقر بن محمد تقی بن مقصود علی مجلسی اصفهانی است. این کتاب بزرگ‌ترین کتاب حدیثی شیعه است که مرحوم مجلسی آن را برای حفظ موارث حدیثی شیعه، تألیف نموده است.

بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، تألیف مرحوم محمد باقر بن محمد تقی بن مقصود علی مجلسی اصفهانی است. این کتاب بزرگ‌ترین کتاب حدیثی شیعه است که مرحوم مجلسی آن را برای حفظ موارث حدیثی شیعه، تألیف نموده است.

درآمد

فرهنگ اسلامی به عنوان یک فرهنگ و تمدن کامل و جامع، تمام نیازهای یک تمدن عیار را در خود دارد. از آنجا که تمدن اسلامی یک تمدن مبتنی بر دین است، بنا بر این، وجود سخت افزارهای تمدن ساز از جمله دایرة المعارف‌هایی که احادیث را به عنوان یکی از منابع تمدن ساز دینی در خود گردآوری و دسته بندی کرده باشند، از اولویت و اهمیت فراوان برخوردارند. دانشمندان اسلامی چه در شیعه و چه اهل سنت، از همین باب به جوامع دایرة المعارف حدیثی اهتمام تام داشته‌اند.

این وضعیت در ایران دوران صفوی که برای اولین بار مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی استقرار یافته بود، از اهمیت بالایی برخوردار بود و پیدایش کتاب سترگ و دایرةالمعارف چون بحار الانوار مجلسی در چنین فضایی روی داد.

«ایران بعد از مغول، از دانش‌های نقلی بیشتر فاصله گرفت؛ به طوری که طی سه قرن، علوم نقلی دینی در ایران، چه شیعی و چه سنی، از جایگاهی برخوردار نبود. در مقابل، دانش‌های عقلی مانند فلسفه و کلام و تصوف و نیز ادبیات، بر فضای فکری ایران حاکم شد. این وضعیت در تمامی سرزمین‌های فارسی زبان جریان داشت. درست در انتهای این دوره، یک دولت جدیدی در ایران بر سرکار آمد که ریشه در تصوف خانقاهی داشت و آن دولت صفوی بود. گرایش این دولت به تشیع، آن را از سایر جریان‌های صوفی و حتی کلام و عقلی جدا کرد و به سمت و سوی معارف شیعی سوق داد.»

دوره صفوی آغازی است برای رشد نگاهی نو به دین و تعریفی جدید از دین برای نظارتش بر جامعه و تفسیرش از مسائل مختلف فردی و اجتماعی با توجه به در دسترس نبودن متون شیعی در آغاز این دوره و پس از رسمیت مذهب امامی در ایران، حرکتی فعال برای تهیه کتاب، با هدف تقویت تشیع از آغاز عصر صفوی پدید آمد. این حرکت مراحل مختلفی را پشت سر نهاد و سیاست اصلی آن احیای کتاب‌های پیشین و باز یافت آن‌ها بود. سیاست فرهنگی یاد شده در علوم مختلف دینی دنبال شد؛ اما به دلیل فقر در حدیث از یک سو و نیاز مبرم به آن از سوی دیگر، در اینجا مشکل بیشتر و تلاش چشمگیرتر بود.

البته این فقر در علوم فلسفی و کلامی ضرورتی نداشت. در علم فقه به آرامی دنبال شد، اما در موضوع حدیث، مسئله بسیار حساس و جدی و اساسی بود. در این دوره، شیعه الزاماً می‌بایست به همه بحران‌ها و مسائل مطرح پاسخ قانع کننده‌ای که طبعاً دینی هم بود، ارائه می‌داد. از آنجا که تشیع با جامعه تسنن فاصله داشت و در این زمان رودرروی آن قرار گرفته و بنیاد دولت جدید تنها بر پایه تشیع بود، می‌بایست پاسخ‌ها تنها پاسخ‌های شیعی می‌بود.

این پاسخ‌ها باید از دل احادیث بیرون بیاید و رنگ سنی نداشته باشد. تمایز میان شیعه و سنی نه به قرآن است که هر دو می‌پذیرند، بلکه به حدیث است. بنابراین تمامی تلاش‌ها روی این نکته متمرکز می‌شود که کتب حدیث کهن زنده شود، احادیث بسط یابد و شرح و تفصیل داده شود. این امر سبب شد که یکبار دیگر، مانند قرون نخستین هجری، نگارش آثار دایرة المعارف حدیثی آغاز شود. این بار، دایره نگاه وسیع‌تر بود؛ برای مثال چندین کتاب حدیثی مفصل در تفسیر قرآن نوشته شد که از آن جمله می‌توان به نورالثقلین، البرهان و الصافی که در نیمه اخیر عصر صفوی نوشته شد، اشاره کرد.

علاوه بر آن، کتاب حدیثی مفصل الوافی از فیض کاشانی و وسائل الشیعه از شیخ حر عاملی و نیز عوالم العلوم، کاری شبیه بحار الانوار از مرحوم شیخ عبدالله بحرانی در همین دوره به انجام می‌رسد. همه این‌ها در گستره‌ای است که رشد اخباری‌گری پدید آورده و این خود معلول افراطی است که در مقابل دوره گذشته در جریان تحکیم کلام ایجاد شده و به علاوه، دلایل دیگری هم به آن کمک کرده است.

بحار الانوار گل سرسبد این نگره، این تلاش و این تکاپو و در واقع تأمین کننده این هدف است؛ ارائه تفسیری از عالم و آدم، هست‌ها و باید‌ها از زاویه دید شیعی برای جامعه‌ای که از تسنن عبور کرده، در فضای شیعی تنفس می‌کند. شکل گیری بحار الانوار در فضایی است که هدف اصلی آن ارائه یک تصویر معرفتی کامل برای عالم و آدم، بر اساس متون مقدس شیعی است که پس از یک دوره یک صد و هفتاد ساله از آغاز عصر صفوی به بار نشسته است. (کاوش‌های تازه در باب روزگار صفوی ص 161)

در دریاهای نور

بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، تألیف مرحوم محمد باقر بن محمد تقی بن مقصود علی مجلسی اصفهانی است. (الکنی و الالقاب ج 2 ص 618 و نیز ن. ک: علامه مجلسی) این کتاب بزرگ‌ترین کتاب حدیثی شیعه است که مرحوم مجلسی آن را برای حفظ موارث حدیثی شیعه که امکان از میان رفتن آن‌ها در حوادث ایام وجود داشته، تألیف نموده است. یکی از خصوصیات مهم کتاب عظیم بحار الانوار، گستردگی دامنه آن در نقل روایات ائمه است.

«به حق می‌توان بحار الانوار را بزرگ‌ترین موسوعه حدیثی شیعه نامید که با تألیف آن، صدها و هزارها حدیث از گزند اتلاف و امحاء و محو و تحریف محفوظ مانده است و در گستره گسترده معارف اسلامی کمتر مبحثی را می‌توان یافت که کتاب بحار الانوار در باب آن سخن نگفته باشد». (فرهنگ کتب حدیثی شیعه ج 2 ص 1066)

علامه سید محسن امین جبل عاملی درباره این مجموعه بزرگ بی‌نظیر در کتاب سترگ اعیان الشیعه می‌گوید: «بحارالانوار دایرة المعارف شیعه است که مانند‌ی ندارد. اکثر روایات شیعه و علوم اهل بیت در آن گردآوری شده است» (همان ص 1066). مرحوم آیه‌الله آقابزرگ طهرانی که خود به حق امام کتاب‌شناسان شیعه نام گرفته است، در کتاب مهم خود در علم کتاب‌شناسی شیعه، الذریعه الی تصانیف الشیعه در باب کتاب بحار مجلسی می‌گوید: «بحارالانوار جامع حدیثی است که پیش از آن و پس از آن، مانند آن نگاشته نشده است؛ زیرا در بردارنده همه روایات، همراه با تحقیقات دقیق و بیانات و شرح‌هایی است که غالباً در غیر این کتاب یافت نمی‌شود و این فضل الهی است که خداوند اسباب آن را برای علامه مجلسی فراهم آورده است» (همان ص 1066).

مرحوم آقا بزرگ طهرانی در باب شاخصه‌های دیگر این کتاب عظیم می‌گوید: «بحارالانوار منبع و مرجع برای هر کسی شد که در ابواب علوم آل محمد پژوهش می‌کرد و اکثر کسانی که پس از آن آمدند، در تالیفات خویش از آن بهره برده‌اند؛ مثل جامع المعارف و الاحکام، حقائق الجنان، معارج الاحکام و غیر این‌ها؛ زیرا اکثر منابع بحار الانوار کتب مورد اعتقاد و اصول معتبری بود که کمیاب بود و دسترسی هر کسی به آن‌ها میسر نبود. حتی استاد ما علامه نوری با آنکه خداوند کتابخانه نفیسی برای او مهیا فرموده بود، به برخی مصادر بحار الانوار دست نیافت و به ناچار در کتاب مستدرک الوسایل به واسطه بحارالانوار از آن کتب نقل نمود. چنانکه خود در ابتدای کتاب مستدرک الوسایل یادآوری نموده است. بنا بر این اکثر تصنیفات علمای شیعه متاخر از کتاب بحارالانوار، از این کتاب استفاده کرده‌اند.»

مبنای فکری مجلسی در گردآوری بحارالانوار

هر کار فکری در حوزه‌های تمدنی، برخاسته از طرز تلقی و جهان‌نگری صاحب آن تألیف فکری به دنیای اطراف خود و ماسوی الله است. از همین روی است که مرحوم علامه مجلسی نیز در تألیف بحارالانوار، دارای مبنای نرم افزاری خاصی در تجمیع این اثر بزرگ بوده است و غایت او از این کار، در شبکه باورهای او تعریف می‌شود. بی‌شک نگاه خاص علامه مجلسی به حدیث، به مثابه منبع تام و کامل علم دنیوی و اخروی در کنار قرآن، عمده‌ترین مبنای فکری علامه مجلسی در جمع‌آوری بحارالانوار بوده است.

«در این نگرش، اصل بر این بود که علم حقیقی علمی است که از منبع صافی و اصلی ارائه شود. به نظر می‌رسد چنین نگرشی مبنای تدوین بحارالانوار بوده است. علامه مجلسی درباره وجه نامگذاری آن به بحارالانوار می‌گوید: و لاشتماله علی انواع العلوم و الحکم و الاسرار. در واقع، اینکه انواع علوم و حکم در احادیث است، مبنای یک نگرش دایره‌المعارف است که در تدوین بحار به کار گرفته شده است. با این حال، یک نکته اهمیت دارد و آن اینکه، این فرض که علامه مجلسی بر این باور بوده است که حدیث یا به طور کلی متون مقدس می‌تواند جای همه معارف بشری (مفید یا غیر مفید) را بگیرد محل تردید است. طبعاً یکبار بحث از علم به معنای کلی دانش است و بار دیگر علم در اصطلاح خاص دینی آن که دانش مفید را با وجه نظر دینی می‌گویند.»

علامه مجلسی در مقدمه بحار، پس از اشاره به اینکه بخشی از عمر خویش را در دانش‌های مختلف سپری کرده، می‌گوید: تأمل کردم تا بدانم کدام یک از این دانش‌ها سبب رسیدن به بالاترین مراتب علم می‌شود و کدام یک به کار معاد و قیامت می‌آید. با تأمل دریافتم تنها دانشی که می‌تواند انسان را سیراب سازد، دانشی است که از وحی برگرفته شده باشد. من به فضل و الهام الهی دریافتم که دانش زلال، عطش را رفع نمی‌کند؛ جز آنکه از یک چشمه صاف گرفته شده باشد که آن هم از چشمه‌های وحی والهام است؛ چنان که دریافتم حکمت اثربخش نیست، مگر آنکه از رازآگاهان دین و پناهگاهان مردم باشد. سپس می‌نویسد: فوجدت العلم کله فی کتاب الله العزیز الذی لایأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه، و أخبار أهل بیت الرسالة الذین جعلهم الله خزناً لعلمه و تراجمه لوحیه و علمت أن علم القرآن لایفی أحلام العباد باستنباطه علی البیقین و لا یحیط به الا من انتجبه الله لذلك من أئمة الدین، الذین نزل فی بیتهم الروح الامین. وی سپس می‌نویسد: من دانش‌هایی را که عمری را در آن‌ها تلف کرده بودم، رها کردم؛ چیزی که در روزگار ما رایج است، پس از آن سراغ دانشی رفتم که در معاد به کار من بیاید، در حالی که این دانش در روزگار ما از رونق افتاده است. (مقصود علامه مجلسی از این دانش، چیزی جز دانش حدیث نیست. علامه مجلسی در مقدمه مرآة العقول نیز همین مطالب را و حتی روشن‌تر از آنچه در بحار آورده، بیان کرده است. در آنجا بیش از همه فلسفه و تصوف را مورد انتقاد قرار داده، از کسانی که نه علم، بلکه جهالت را از پس مانده‌های کافران می‌گیرند، انتقاد می‌کند. در اینجا می‌توان احتمال داد که حتی اگر مقصود وی کلیت معارف بشری باشد، وی به خصوص روی فلسفه و تصوف تکیه دارد. در واقع این دو رشته هستند که رقیب حدیث و معارف مقدس‌اند. بر پایه همین مبناست که علامه مجلسی، در مورد دیگری هم هدف از تألیف کتاب بحار را نگارش اثری برای نجات مردم از دست فلاسفه و مطالب موهوم آنان دانسته، با گلایه از اینکه در این روزگار مردم به سراغ فلاسفه می‌روند...).

(کاوش‌های تازه در باب روزگار صفوی ص 165)

آیا بحارالانوار یک دایرة المعارف جامع است؟

اگر به مبنای فکری علامه مجلسی و فضای سیاسی و عقیدتی که کتاب بحارالانوار در آن به وجود آمد نظری بیافکنیم، می‌بینیم که این شرایط باعث می‌شده است که بحارالانوار نقش یک دایرة المعارف که همه احادیث شیعه را در بر گرفته باشد را بر عهده بگیرد؛ اما سوال اینجاست که علامه تا چه اندازه در این مهم موفق بوده است.

«در اینکه آیا علامه مجلسی قصد گردآوری تمامی روایات موجود در منابع شیعه را در هر باب داشته است یا نه، ظاهر کتاب و مقدمه آن چنان می‌نماید که هدف وی گردآوری تمامی مطالب قابل اعتنای کتاب‌های شیعی بجز کتب اربعه حدیثی معروف شیعه بوده است. دلیل حذف این چهار کتاب، فراوانی نسخ آن‌ها بوده و اینکه علامه میل نداشته تا تکرار مکررات کند؛ هر چند از این چهار کتاب هم روایاتی نقل کرده است. افزون بر آن‌ها از صحیفه سجادیه هم به دلیل شهرت نسخه‌هایش و نیز کار مستقلاً که مرحوم مجلسی بنای انجام آن را داشته (الکلمات الطریفة فی شرح الصحیفة) اندکی نقل کرده است.»

در این زمینه، کار وی محدود و محصور در کتاب‌های حدیثی نبوده، بلکه بسیاری از آثار تاریخی شیعه هم مطالبشان به صورت گزیده یا به صورت کامل در بحار جای گرفته است. با این همه، اگر واقعا هدف او گردآوری همه روایات موجود در آثار شیعه بوده است، می‌توان گفت که مواردی از دست رفته و به رغم آنکه منابع آن‌ها در دسترس وی قرار داشته، آن موارد را در بحار نیاورده است. این اعتراضی است که ملا ذوالفقار یکی از شاگردان نزدیک علامه هم به وی وارد کرده است.

این موارد، بجز آثاری است که پس از علامه مجلسی یافت شده و وی آن آثار را در اختیار نداشته است. خواهیم دید که وی به دلیل بی‌اعتباری برخی از آثار، دست کم برخی از مطالب آن‌ها را نقل نکرده است. بدین ترتیب روایات و اخباری را که پذیرش آن‌ها برای وی دشوار بوده و هیچ گونه محملی برای توجیه آن‌ها نیافته و یا در ارائه آن‌ها هیچ نوع فایده‌ای را تصور نمی‌کرده، در بحار نیاورده است. عبارت «ترکناها حذرا من التکرار» یا «حذرا من الاطناب» و مضامینی مشابه آن فراوان در بحار آمده است. با این همه، از آنجا که به مرور دریافته که بسیاری از مطالب و آثار گذشته را در بحار نیاورده است، در مقدمه کتاب که به احتمال بعدها آن را نگاشته، اشاره کرده است که مطالبی را که بنا به مصالحی و جهاتی در بحار نیاورده در مستدرک البحار خواهد آورد و البته توفیقی برای تألیف مستدرک به دست نیاورده است. (همان ص 175)

بحار الانوار و کار جمعی

از آنچه که از تاریخ و نسخ خطی فراوان بحار الانوار بر می‌آید، این نکته روشن می‌گردد که این کتاب سترگ با همکاری برخی از شاگردان مورد اعتماد علامه مجلسی و تحت اشراف ایشان انجام پذیرفته است و می‌توان جزء تجربیات جمعی در حوزه کار حدیثی به شمار آید. «مشارکت شاگردان علامه مجلسی در تدوین بحار از چند مطلب به دست می‌آید. نخست خود نسخه‌های اصل بر جای مانده بحار است که برخی از متون نوشته شده در آنها به خط افرادی جز مجلسی است. این نکته‌ای است که میرزا حسین نوری با ملاحظه آن نسخه‌ها یادآور شده است. شاهد دیگر اشاره سید نعمت الله جزائری شاگرد علامه به همکاری‌اش با علامه در تدوین برخی از مجلدات بحار است. یکی از افرادی که کمک فراوانی به علامه مجلسی کرده، ملا ذوالفقار است که از شاگردان برجسته او و فردی کتاب شناس بوده و در تهیه منابع بحار تلاش زیادی کرده است. از او نامه بسیار مهمی در مجلد پایانی بحار چاپ شده که در ادامه به مهم‌ترین نکات آن اشاره خواهیم کرد. میر محمد صالح خاتون آبادی، شوهر خواهر علامه مجلسی هم از کسانی بوده که در کارهای علمی به وی کمک می‌کرده است.» همین طور میرزا عبدالله افندی هم می‌باید در هر دو جهت، هم تهیه کتاب و هم یاری استاد در تدوین این اثر شناخته شود. هر چند ملا ذوالفقار در نیمه اول کار به استاد کمک کرده، افندی در ادامه کار به یاری استاد شتافته است. افندی، پس از درگذشت علامه، شماری از نسخه‌های اصل بحار را که همچنان مسوده باقی مانده بوده، از ورثه علامه گرفته، بازنویسی کرده و حتی در برخی از موارد ترتیب ابواب را هم تغییر داد. وی مجلدات یاد شده را نزد خود نگاه داشت تا آنکه پس از مرگ وی، از طریق ورثه او در اختیار دیگران قرار گرفته، عمومیت یافت. بخش اجازات بحار با ترتیب و تدوین و عنوان نویسی میرزا عبدالله افندی می‌باشد. در واقع نقش ملا عبدالله افندی در بحار، بیش از تمامی کسانی است که به نوعی با علامه مجلسی همکاری داشته‌اند. برخی از نویسندگان کمک دیگران را تنها در حد نوشتن برخی از مطالب بلند در محل‌هایی در بحار می‌دانند که عناوین را علامه مجلسی می‌نوشت و ذیل آن‌ها را برای نگارش آن مطالب خالی می‌گذاشت. در نامه ملا ذوالفقار، به وجود طلابی که علامه مجلسی از آن‌ها برای استکتاب در بحار استفاده می‌کرده، اشاره شده است. (همان ص 176)

آیا علامه مجلسی در بحار الانوار شرح حدیث کرده است؟

آنچه از اظهارات علامه مجلسی بر می‌آید، این است که علامه قصد شرح حدیث نداشته است، بلکه قصد و غرض اصلی تجمیع احادیث و میراث روایی شیعه است. با این وجود علامه در ذیل برخی از احادیث به شرح و بیان نکاتی می‌پردازد که در روشن نمودن فضای معنایی حدیث کمک می‌کند: «تعهد استوار علامه مجلسی در تألیف این اثر آن بوده است که از شرح و تفسیر خودداری کرده، در موارد ضرورت به کمترین توضیح بسنده کند. با این حال، در مواردی این عهد خویش را فراموش کرده و متواضعانه یادآور شده است که اینجا به خاطر شباهتی که در مسئله وجود داشته، عهد خود را برای اختصار فراموش کرده، به اطناب روی آوردیم. در بحث از نجوم و مسائل مربوط به آن تأکید می‌کند که در اینجا بحث را اندکی طولانی کردیم، چرا که در روزگار ما مردم ولع زیادی در توجه به این دانش و عمل به آن دارند. همین مقدار شرح و تفصیل هم در همه مجلدات بحار نیست. وی در طول سال‌ها تنها فرصت کرده است تا بر بخشی از اجزاء بحار شرح و تبیین بنویسد. آن چنان که میرزا عبدالله افندی در یادداشت مشهورش در باره بحار توضیح داده است، از 25 مجلد بحار قدیم، تنها 15 مجلد دارای توضیحات و بقیه فاقد آن است. میر محمد حسین خاتون آبادی در فهرست تألیفات علامه مجلسی می‌نویسد: شانزده مجلد بحار تمام شد و پس از آن عناوین همان شانزده جلد را یاد می‌کند که نشان می‌دهد از سایر مجلدات آن آگاهی نداشته است؛ زیرا نسخه آن‌ها در اختیار افندی بوده و بعدها از طریق فرزند افندی به جامعه علمی شیعه بازگشته است. ضمن این توضیحات می‌توان به مباحث مستقلی هم اشاره کرد که در حکم مقالات کوتاه است و علامه مجلسی به مناسبت در جاهای مختلف این گفتارهای کوتاه، اما مستقل و با موضوع مشخص را جای داده است. (همان ص 175)

در سایه همین توجهات و زحمات علمایی چون حضرت علامه مجلسی بوده است که مذهب شیعه توانسته است دارای منابع سخت‌افزاری چون بحار الانوار گردد تا در سایه آن بتواند تمدن مورد نظر خویش را احیا و بازایی نماید.

منابع:

1. الکنی و اللقب، شیخ عباس قمی
 2. فرهنگ کتب حدیثی شیعه، سید محمود مدنی بجستانی
 3. علامه مجلسی، حسن طارمی
 4. پژوهش‌های تازه در باب روزگار صفوی، رسول جعفریان
- هادی شاملو